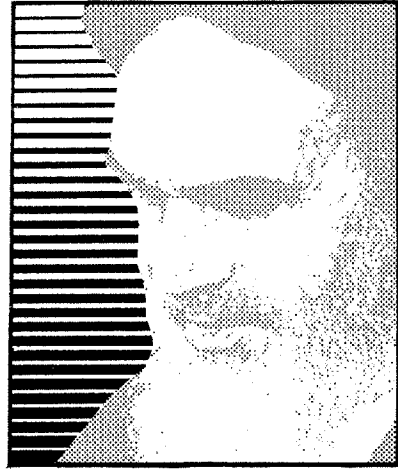


## نگرش سیستمی و جهان‌شمول

## در پیامهای حج امام خمینی قفس سبز



احمد پور نجاتی

به زبان‌های مختلف، در قلمرو این عبادتِ شگفت‌انگیز انتشار یافته است. انکار نمی‌توان کرد که در بخش عمده‌ای از آثار محققان و مؤلفان درباره حج، تنها به حوزه فقهی و آداب شکلی آن پرداخته شده و از جنبه‌های دیگر غفلت گردیده است. با این وصف در گستره میراث مکتوب حج، نمونه‌هایی بس ارزشمند و آموزنده و اعجاب‌آور از تلاش فکری و ذوقی و علمی مؤلفان و مصنفان می‌توان دید که به عرصه‌های تربیتی، عرفانی، سیاسی و جامعه‌شناسی این مراسم آیینی پرداخته‌اند. هنوز تا واگشایی تمامی رمز و رازهای حج راهی بس دراز پیش روی

### اشاره:

درباره مراسم آیینی حج، گفته‌ها و نوشته‌های بیشماری از سوی عالمان و اندیشه‌مندان ارائه شده است. بی‌تردید آنچه از کلام و سیره پیشوایان معصوم علیهم‌السلام در اختیار جویندگان معارف ناب قرار گرفته، تابندگی و گره‌گشایی خاصی دارد. حج همواره در نگاه ژرف‌اندیشان، عبادتی پر رمز و راز و حیرت‌افزا بوده؛ به گونه‌ای که هر کاوشگری برای دریافت حقیقت آن، ناگزیر از اکتفا به وجهی از وجوه و بُعدی از ابعاد گردیده است. به گواهی پاره‌ای پژوهش‌ها در زمینه کتابشناسی حج، تاکنون صدها اثر مکتوب و مدون در زمینه‌های گوناگون موضوعی و

کاشوگران است و البته چنین چشم‌اندازی اختصاص به حج ندارد بلکه تمامی احکام و آداب و عبادات اسلام چنین‌اند.

در عصر ما، یکی از شایسته‌ترین عرصه‌گشایی‌ها در زمینه معارف اسلامی از سوی حضرت امام خمینی علیه السلام صورت گرفته است.

مهمترین ویژگی نگرش امام راحل علیه السلام به مباحث اسلامی، آزمودگی آن در عرصه تجربه عملی است، آنهم نه تنها در محدوده رفتار فردی بلکه در مقیاس اجتماعی و حتی در ابعاد حکومتی است.

دیدگاه‌های امام خمینی علیه السلام در زمینه مسائل و موضوعات اسلامی، اگر در بدایت امر جنبه نظریه پردازانه داشته اما سرانجام در فرایند تحقق تجربی مُهر تأیید و صحت و توثیق خورده است.

در این نوشته که به مناسبت یکصدمین سال تولد امام خمینی علیه السلام سامان یافته، کوشش شده تا با بهره‌گیری از شیوه تحلیل محتوای پیام‌ها و سخنان امام راحل علیه السلام درباره حج، دو ویژگی اساسی و مهم نگرش ایشان در مورد یکی از فروع اسلام، از چشم‌اندازی جامعه‌شناسانه مورد توجه قرار گیرد.

دو ویژگی مورد نظر عبارتند از:

«نگرش سیستمی» و «نگرش جهانشمولی».

نگارنده بر این باور است که رویکرد نظری حضرت امام علیه السلام نسبت به کلیت اسلام، به مثابه کاملترین آیین آسمانی برای رستگاری بشر، از همین دو ویژگی برخوردار است.

امیدوارم آنچه در پی می‌آید، گامی هر چند کوچک در مسیر بازشناسی اندیشه‌های بلند آن حکیم بزرگ تلقی شود. در آغاز ناگزیرم به پاره‌ای مفاهیم مقدماتی بپردازم:

### نگرش سیستمی

سیستم یا مجموعه معنادار، پیکره‌ای متشکل از اجزای متکثر است که با یکدیگر ارتباطی هدفمند و متضمن مقصود دارند. اجزای سیستم، جداگانه و مستقل از روابط سیستمی، فاقد هویت و کارآمدی‌اند و بنابراین ماهیتشان به نقش وجودی آنها در مجموعه وابسته است.

سیستمها انواع گوناگون دارند: برخی منطقی یا ذهنی‌اند، برخی مکانیکی؛ مانند انواع ماشین‌ها و پاره‌ای ارگانیک‌اند؛ مانند موجودات زنده.

شاید به گمان برخی، کاملترین



سیستم‌ها، مجموعه‌های زنده و مشخصاً ارگانیک انسان باشد. اما به نظر می‌رسد وجوه فوق‌مادّی ارگانیک انسان در چارچوب چنین برداشتی از سیستم وجودی انسان قابل تفسیر نیست؛ به بیان دیگر، انسان به‌عنوان یک سیستم یا مجموعه‌ی مادی - معنوی، مختصّاتی فراتر و پیچیده‌تر از یک سیستم زنده‌ی جانوری دارد که با ساز و کارهای بیوشیمیایی تفسیر پذیر است.

پاره‌ای جامعه‌شناسان که برای «جامعه» و «تاریخ» نیز هویتی مستقل قائل شده‌اند، گاهی دچار چنین خطای تطبیقی میان انسان و دیگر ارگانیک‌های زنده گردیده‌اند.

درست است که کنش جامعه و حرکت تاریخ، از منطق خاصی پیروی می‌کند که بی‌شبهت به منطق سیستمی در ارگانیک‌های زنده نیست اما عنصر فرامادّی وجود انسان، جنبه‌های والاتری را در رفتار جامعه و تاریخ به ما نشان می‌دهد.

مهمترین و شاخص‌ترین ویژگی نظریه سیستمی این است که فلسفه وجودی اجزای یک مجموعه را موکول به فلسفه غایی کل آن مجموعه می‌داند و کارآمدی و نقش‌آفرینی مجموعه یا سیستم را حاصل هماهنگی و همبستگی متقابل

کنش اجزای آن می‌انگارد.

به طور خلاصه ویژگی‌های نگرش

سیستمی بدین شرح است:

۱- هدفمندی کل مجموعه

۲- هدف‌پذیری اجزای مجموعه

۳- ارتباط متقابل اجزا با یکدیگر و با

کل مجموعه

۴- بازخورد یا فیدبک؛ یعنی

سازوکار تعادل‌بخش در رفتار اجزای

مجموعه.

نگرش سیستمی در قلمرو راهبری و

مدیریت اجتماعی، یکی از کامل‌ترین

الگوهای سامان‌دهی و اصلاح و توسعه

جامعه بشری به شمار می‌رود.

با آنکه ادیان توحیدی و به ویژه

کامل‌ترین آنها؛ یعنی اسلام، از قرن‌ها پیش

با چنین رویکردی در میدان رستگاری و

کمال انسان پا نهاده‌اند اما دانش بشری تنها

در سده‌های اخیر توانسته است چنین

منطقی را در مواجهه با واقعیات پیرامونی

خویش و به ویژه در قلمرو حیات

اجتماعی در یابد و به مثابه کشفی بزرگ و

کارگشا به کار بندد.

### نگرش جهانشمول

تلقی واحد از هویت تاریخی انسان،

فارغ از زمان تاریخی (تقویمی)، مکان تاریخی، تحولات تاریخی و به طور کلی آنچه به دگرگونی‌ها و گونه‌گونی‌های ظاهری و عَرَضی هویت انسان مربوط می‌شود، اساس و پایه نگرش جهانشمول است. در جهان بینی توحیدی اسلام، اعتقاد بر این است که تمامی انسانها، بی‌هیچ استثنا، بر فطرت آفریده شده‌اند. فطرت، مقوله‌ای بی‌زمان و غیر تقویمی است. در عین حال فطرت همزاد وجود نوعی انسان است. پس فطرت، یک مقوله تاریخی به مفهوم ذاتی و پایدار و لایتجزای وجود انسان است.

تاریخ بشر در عرض و طول زمانی و جغرافیایی، جلوه‌گاه پاسخ او به «عهد الست» است. آغاز جهانشمولی فطرت را، همان لحظه بی‌زمان «عهد الست» باید دانست.

در نگرش جهانشمول، تمامی مظاهر و تطورات و تکثرات فرهنگی، اجتماعی، آیینی و حتی سنت‌های اخلاقی، جان‌مایه‌ای از آن فطرت نخستین دارند. پس سرانجام می‌توانند زبان مفاهمه‌ای با یکدیگر بیابند و به آن نقطه مشترک؛ یعنی هویت تاریخی عهد الست برسند.

جهانشمولی نیازمند یک «مثال

آرمانی» یا یک «نمونه مطلوب» از انسان و جهان و مناسبات این دو عالم صغیر و کبیر است. مفهوم حقیقی جهانشمولی چیزی جز «جهانی تلقی کردن انسان» و «انسانی تلقی کردن جهان» نیست.

گرچه طرح نگرش جهانشمول در دهه‌های اخیر به شدت مورد تعرّض و نقد فلسفه «پُست مدرن» قرار گرفته اما همگان می‌دانند که «پُست مدرنیسم» و اکنتشی تفریط کارانه و قابل پیش‌بینی نسبت به افراط‌کاری‌های فلسفه مدرنیسم است.

«نفی تمامی احکام عام و جهانشمول فلسفی و اخلاقی و علمی» از سوی جریان فلسفی پُست مدرن در واقع نفی غرب سالاری فرهنگی و فلسفی و اخلاقی و علمی است.

از آنجاکه اساس نگرش جهانشمول، وحدت و یکسانی فطرت‌هاست، پس آیین مبتنی بر فطرت، آیینی جهانشمول و منطبق بر هویت تاریخی انسان است.

به طور خلاصه ویژگی‌های نگرش جهانشمول بدین شرح است:

۱- اعتقاد به هویت تاریخی انسان

۲- وحدت فطری انسان‌ها

۳- یگانگی نظام معنایی در جهان

بشری



#### ۴- کثرت فرهنگی

۵- اصل مسؤولیت مشترک مبتنی بر

تقدیر مشترک

نگرش جهانشمول در قلمرو

گسترش اندیشه نظام واحد جهانی، نقش

مهمی خواهد داشت. لازم به توضیح و

تأکید نیست که اندیشه جهانشمول

نمی تواند مبنایی برای توجیه نظام جهان

تک قطبی باشد؛ زیرا از اساس با آن منافات

دارد. اولی بر پذیرش تکثر فرهنگی استوار

است و دومی بر یکسان سازی فرهنگی ابنا

دارد.

#### چشم انداز اسلام در نگرش سیستمی

#### و جهانشمول

اینک می بایست به این پرسش

پردازیم که نگرش سیستمی و جهانشمول

در نظرگاه اسلامی چه نقش و تأثیری

خواهد داشت.

به طور کلی دو گزاره ذیل می تواند

چشم انداز اسلام را در نگرش سیستمی و

جهانشمول بیان کند:

۱- برای تحقق اسلام به عنوان یک

آیین آسمانی، هیچ راهی جز تحقق جامع

آن به عنوان یک مجموعه (سیستم) نیست.

تحقق یک یا چند بخش یا یک یا چند

وجه از مجموعه اسلام، از نیل به فلسفه

غایی اسلام ناتوان است و بنابراین تمامی

همت متدینان به اسلام باید مصروف

تحقق مجموعه ای (سیستمی) اسلام گردد.

لازمه عقلی و عقلایی چنین غایتی، فراهم

ساختن امکان مدیریت یا اداره جامع جامعه

است. فلسفه حکومت در اسلام جز با تبیین

نگرش سیستمی امکان پذیر نیست؛ زیرا در

غیر این صورت، نیازمند تمسک به براهین

عرفی و عقلانی صرف، به عنوان ضرورت

اداره امور جامعه خواهیم شد.

۲- اسلام در اُس و اساس خویش یک

آیین تاریخی، به مفهوم زمانی آن نیست.

پس تعلقات زمانی، چه در طول و چه

در عرض، چه در پیشینه تاریخی و چه در

گستره جغرافیایی و بالطبع در قلمرو قومی،

نژادی، تمدنی و مانند اینها ندارد. پس

اسلام آیین تاریخی به مفهوم مقدس و ذاتی

انسان است. همزاد و همراه انسان است.

مقوم ذات انسان است. از این رو آیینی

جهانشمول است و از همین رو دین حنیف

خوانده شده که با فطرت انسان سرشته و

عجین است.

در چنین چشم اندازی از اسلام،

تمامی کوشش هایی که برای تحقق این

آیین پاک صورت می گیرد، در واقع برای

از ظلم و ستمکاری متعهد هستند محکم و برادرانه می‌کند، اقتصاد را به صورتی سالم و بدون وابستگی به نفع همگان در رفاه همه مردم، با اهمیت به مستمندان و ضعیفان بارور می‌کند و برای رشد بیشتر کشاورزی و صنعت و تجارت کوشش می‌نماید و در بعد نظامی به همه کسانی که صلاحیت دفاع از کشور را دارند برای مواقع اضطراری تعلیم نظامی می‌دهد و در این مواقع بسیج عمومی اختیاری و احیاناً اجباری می‌کند. و در حال عادی برای دفاع از مرزها و تنظیم شهرها و ایمنی جاده‌ها و حفظ نظم و انتظام، نیروی مؤمن ورزیده تربیت می‌کند.»<sup>۱</sup>

۲- «در لیبک، لیبک، نه بر همه بتها بگویند و فریاد «لا» بر همه طاغوت‌ها و طاغوت‌تجه‌ها کشید و در طواف حرم خدا که نشانه عشق به حق است دل را از دیگران تهی کنید و جان را از خوف غیر حق پاک سازید و به موازات عشق به حق از بت‌های بزرگ و کوچک طاغوت‌ها و وابستگانشان برائت جویند که خدای تعالی و دوستان او از آنان برائت جُستند و همه آزادگان جهان از آنان بریء هستند. و در لمس حجرالأسود بیعت با خدا بندید که با دشمنان او و رسولانش و صالحان و

بازگرداندن جهان انسانی به تاریخیت معنوی و فطری خویش است.

### حج، نماد جامع اسلام سیستمی و جهانشمول

آنچه تاکنون بیان شد، در واقع می‌بایست مدخلی برای ورود به موضوع اصلی این نوشته تلقی شود.

به گمان نگارنده، حضرت امام خمینی علیه السلام در پیام‌های حج خویش، کوشیده‌اند جلوه‌هایی مهم از اسلام سیستمی و جهانشمول را ارائه دهند. در این فصل به نمونه‌هایی از این رویکرد امام راحل علیه السلام اشاره خواهیم کرد:

۱- «اسلام دارای فرهنگ غنی انسان‌ساز است که ملت‌ها را بی‌گرایش به راست و چپ و بدون در نظر گرفتن رنگ و زبان و منطقه به پیش می‌برد و انسان‌ها را در بُعد اعتقادی و اخلاقی و عملی هدایت می‌کند و از گهواره تا گور به تحصیل و جستجوی دانش سوق می‌دهد. اسلام در بُعد سیاسی، کشورها را در همه زمینه‌ها، بدون تشبث به دروغ و توطئه‌های فریبنده، به اداره و تمشیت حکومت سالم هدایت می‌کند و روابط را با کشورهای دیگری که به زیست مسالمت‌آمیز و خارج



مطلق است و بدانید تا از این محبوب‌ها که بالاترینش «حُبّ نفس» است و «حُبّ دنیا» تابع آن است نگذیرید به محبوب مطلق نرسید و در این حال است که شیطان را رجم کنید و شیطان از شما بگریزد. و رجم شیطان را در موارد مختلف با دستورهای الهی تکرار کنید که شیطان و شیطان‌زادگان همه گریزان شوند.

و شرط همهٔ مناسک و موافق برای رسیدن به آرزوهای فطری و آمال انسانی، اجتماع همهٔ مسلمانان در این مراحل و موافق و وحدت کلمهٔ تمامی طوایف مسلمین است بدون اعتنا به زبان و رنگ و قبیله و طایفه و مرز و بوم و عصبیت‌های جاهلی.<sup>۲</sup>

۳- «حج کانون معارف الهی است که از آن محتوای سیاست اسلام را در تمامی زوایای زندگی باید جستجو نمود. حج پیام آور ایجاد و بنای جامعه‌ای به دور از ردایل مادی و معنوی است. حج تجلی و تکرار همهٔ صحنه‌های عشق‌آفرین زندگی یک انسان و یک جامعه متکامل در دنیا است و از آنجا که جامعهٔ امت اسلامی از هر نژاد و ملتی باید ابراهیمی شود تا به خیل امت محمد<sup>صلی الله علیه و آله</sup> پیوند خورد و یکی گردد و ید

آزادگان، دشمن باشید و به اطاعت و بندگی آنان، هر که باشد و هر جا باشد، سر نهید و خوف و زبونی را از دل بزدایید، که دشمنان خدا و در رأس آنان شیطان بزرگ، زبوند هر چند در ابزار آدم‌کشی و سرکوبی و جنایتشان برتری داشته باشند.

و در سعی بین صفا و مروه با صدق و صفا سعی در یافتن محبوب کنید که با یافتن او همهٔ بافت‌های دنیایی گسسته شود و همهٔ شک و تردیدها فرو ریزد و همهٔ خوف و رجاهای حیوانی زایل شود و همهٔ دل‌بستگی‌های مادی گسسته شود و از آزادگی‌ها شکفته گردد و قید و بند شیطان و طاغوت که بندگان خدا را به اسارت و اطاعت کشند درهم‌ریزد.

و با حال شعور و عرفان به مشعرالحرام و عرفات روید و در هر موقف به اطمینان قلب بر وعده‌های حق و حکومت مستضعفان بیفزایید و با سکوت و سکون، تفکر در آیات حق کنید و به فکر نجات محرومان و مستضعفان از چنگال استکبار جهانی باشید و راه‌های نجات را از «حق» در آن موافق کریمه طلب کنید.

پس به «منا» روید و آرزوهای حقانی را در آنجا دریابید که آن، قربانی نمودن محبوب‌ترین چیز خویش در راه محبوب

به نظر می‌رسد وجهه نظری آنچه را که امام خمینی در عمل برای رسیدن به آن تلاش می‌کردند و آن چیزی جز تحقق اسلام حکومتی در مقیاس جهانی نبود، می‌توان در مضمون مشترک پیام‌های حج ایشان پیدا کرد.

اگر ادعا کنیم که یکی از مهمترین رموز درک و فهم سریع و انتقال شتابان کلام امام خمینی علیه السلام نه تنها در میان مسلمانان بلکه در گستره جهانی، همین رویکرد نگرش سیستمی و جهانشمول به اسلام بوده سخن به گزافه نگفته‌ایم.

از همین منظر می‌توان گفت که نگرش امام خمینی به اسلام حکومتی دقیقاً ماهیتی انسانی و جهانی داشته و فارغ از مرزبندی‌های اعتباری بوده است.

واحد شود، حج تنظیم و تمرین و تشکل این زندگی توحیدی است. حج عرصه نمایش و آینه سنجش استعدادها و توان مادی و معنوی مسلمانان است.<sup>۳</sup>

آنچه ارائه شد فرازهایی از پیام‌های حج امام خمینی علیه السلام در سه سال پایانی عمر پربرکت ایشان بود. گرچه به اقتضای شرایط زمانی و حوادث و تحولات سیاسی در سال‌های مختلف و نیز به اعتبار جنبه‌های عبادی و رفتاری، بخش‌هایی از هر یک از پیام‌های آن حکیم عارف، به نکات آموزنده دیگر اختصاص داشته اما یک مضمون مشترک و روح اصلی همواره در پیام‌های حج امام که از سال‌ها پیش از پیروزی انقلاب اسلامی صادر می‌کردند به چشم می‌خورد که حاوی همان نگرش سیستمی و جهانشمولی به اسلام است.

### ● پی‌نوشتها:

- ۱- پیام امام خمینی به زائران بیت الله الحرام، ۱۳۶۴/۵/۲۵
- ۲- از پیام امام خمینی به زائران بیت الله الحرام، ۱۳۶۵/۵/۱۶
- ۳- از پیام امام خمینی به زائران بیت الله الحرام، ۱۳۶۷/۴/۲۹